

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبه‌هنگ راد
۲۰ نومبر ۲۰۲۲

دو اجتماع سیاسی – اعتراضی متفاوت از هم [داخل و خارج]

محرز است ما با دو اجتماع سیاسی متضاد از هم روبرو هستیم. داخل مضمون خود را دارد و خارج [روی هم‌رفته] سخن‌گو و برانزده انتقال حقیقت داخل در محیط خودی نیست. در هر صورت آنچه مهم است جایگاه اعتراضات هزاران زن و دختر، دانشجو و دانش‌آموز و دیگر توده‌های ستمدیده علیه سرمداران رژیم جمهوری اسلامی است. علاوه بر این‌ها اهمیت قضیه در آن است که بیش از دو ماه علی‌رغم تلاش پیوسته عناصر و تجمعات وابسته به سرمایه در خارج از کشور، تحرکات [داخل] همچنان پردوام، سرزنده، بانشاط و با طرح مطالبات سیاسی – دمکراتیک در پیش است. بی‌شک نظام جمهوری اسلامی هم بناب‌دها دلیل روشن، تا آخرین لحظه رودررو اعتراضات به‌حق خیابان‌ها و دیگر میدان‌های نابرابر خواهد ایستاد و پس نخواهد کشید. چراکه جدل طبقاتی و نیز تأمین و تضمین منفعت طبقه سرمایه‌داری در مقابل منفعت و حقوق پایمال‌شده طبقه فرودست است. با این اوصاف هسته اصلی موضوع، مرور و بازشکافی دوباره به خواسته‌ها و تحرکات داخل نیست بسا که اشاره‌ای کوتاه به مواضع تجمعات و عناصر متعلق به طبقه سرمایه‌داری در خارج از کشور است که به‌دروغ لباس دوستی اعتراضات مردمی به تن کرده‌اند و در همان حال رفت‌وآمدها و نگاه اصلی‌شان به قدرت‌مداران بزرگ و بین‌المللی است.

البته پیدایی این‌گونه اتفاقات در بیرون، تازه و مختص به ایران نیست و دیده‌شده است که هر زمان مردم و جوانان علیه ظلم و ستم حاکمان به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند، حامیان و درازکش‌ها به یمن ارگان‌های تبلیغاتی – مالی سرمایه‌داران به میدان آمده و اندر باب حقوق زیر پا گذاشته‌شده مردم لاف‌زنی و موعظه سرایی می‌کنند. همان اوضاعی که ما در ده هفته اخیر در خارج از کشور شاهد آن هستیم. در حقیقت همه و از جمله از بازماندگان نظام پیشین [رضا پهلوی با فرم‌های متفاوت] گرفته، تا رانده‌شدگان نظام فعلی همچون مسیح علی‌نژاد و نیز تازه از راه رسیدگانی بمانند حامد اسماعیلیون را به‌صفت کرده‌اند تا سیاست‌های شوم خود را در فردای بعد از نظام جمهوری اسلامی به جامعه و به مردم تحمیل کنند. به‌طور قطع نیاز آن‌چنانی در ارائه دلیل، پیرامون علاقه و وابستگی آن‌ها به بالائی‌ها نیست. دیدار با بالاترین مقامات امریکایی و اروپایی، سازمان دادن مصاحبه‌های مطبوعاتی از سوی رسانه‌های امپریالیستی و نیز برپایی تظاهرات سازمان‌یافته توسط دولت‌های کانادا، آلمان، امریکا و علاوه بر این‌ها حمله به‌صفت مخالفین دیرینه نظام جمهوری اسلامی در شهرهای متفاوت اروپایی و غیره، جز آن نیست که توجه‌ها و ارزیابی‌های سیاسی پیرامون برون‌رفت از مناسبات کنونی ایران واحد نیست. به‌طور مثال رضا پهلوی مفتخر از کارکرد نظام گذشته است و علناً

خواهان حمایت، پشتیبانی دولت‌های بزرگ بمانند امریکا، اتحادیه اروپا در برکناری نظام جمهوری اسلامی [آن‌هم به بهانه حمایت از اعتراضات مردمی] است. همان دولت‌هایی که نظام شاهنشاهی را به‌منظور انحراف جنبش‌های رادیکال [سال‌های ۵۶ و ۵۷] برکنار و نظام جمهوری اسلامی را بر سرکار گمارده‌اند. متعاقباً دلیلی در بازبینی تغییرات از بالا نیست و معلوم شده است که نظام فعلی برآمد توافق امپریالیست‌ها در «کنفرانس گوادلوپ» است. بی‌شک گفته‌ها و اسناد در این زمینه زیاد و نیز روزنه‌ای در گزیر از آن باقی نگذاشته است. پس بیهوده باقیماندگان نظام پیشین دارند حرف از به رسمیت شناختن حقوق مردم و آزادی احزاب و نظایر این‌ها بمیان می‌آورند. مگر فراموش شده است که نظام پهلوی چه صدمات جانی – مالی به سازندگان اصلی جامعه وارد کرده است؟ مگر فراموش شده است که دستگاه‌های مخوف سرکوب همچون ساواک چه جنایاتی در حق کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفین مرتکب گردیدند؟ علاوه بر این‌ها مگر طرح شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر» فضای خیابان‌ها و دیگر میدان‌های اعتراضی را در نور دیده است، مبین نظر و خواست زنان و دختران، دانشجویان و دیگر توده‌های ستمدیده [در قبال دو نظام] نیست؟ بدین‌ترتیب رژیم پهلوی از تمامی ویژگی‌های رژیم جمهوری اسلامی برخوردار بود و نظام جمهوری اسلامی دنباله آن است. تمرکز ثروت جامعه در دست اندکی محدود؛ فقدان آزادی‌های اولیه، تعرض به معیشت مردم، بیکارسازی، حمله سازمانیافته به دانشجویان معترض، تفاوت جنسیتی، سرکوب وحشیانه کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفین، برپایی زندان‌های مخوف، شکنجه و اعدام، همه و همه از جمله خاصیت نظام پهلوی بود؛ آن‌قدر نظام گذشته مرتکب جنایت و غارت اموال عمومی شده است که توضیح همه‌جانبه آن ناممکن است. منظور از این‌که پرونده دزدی، تعرض بی‌رحمانه به مطالبات پایه‌ای کارگران، زحمت‌کشان، جوانان و دیگر توده‌های ستمدیده آن‌قدر قطور است که نمی‌شود با هیچ نوشته و یا دلیلی آن‌ها را راست‌وریس کرد. بیش از چهل است رضا پهلوی از قبل تاراج ثروت‌های جامعه دارد به زندگی چندش‌آور خود ادامه می‌دهد و در همان حال مدعی برقراری عدالت و به رسمیت شناختن حقوق پایه‌ای مردم است. پیداست که تحقق دموکراسی و تضمین آزادی و برابری از طریق نظام مطابق با منفعت طبقه سرمایه‌داری [مدنظر رضا پهلوی]، نه تنها محال بلکه جامعه و زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش، زنان و جوانان و کودکان را با وضعیت دهشتناک‌تری روبرو خواهد ساخت

خوشبختانه از یک‌طرف صف‌آرایی طبقاتی معین و متأسفانه از طرف‌دیگر پشتیبانان سرمایه [بنا به ده‌ها دلیل] در خارج از کشور فراوان‌اند و این روزها، جستن و پریدن به آغوش جانیان و بانیان مسبب اصلی وضعیت کنونی بسیار زیاد شده است. منظور از این‌که رقابت‌ها برای خوش‌خدمتی بالاگرفته است و هر یک در تلاش‌اند تا به میزان سرسپردگی و چاکرمنشی خود بیافزایند. مسیح علی‌نژاد از دیگر نمونه‌هاست. وی تازگی‌ها در چارچوب سیاست دولت‌های امریکایی و اروپایی «سازمان جهانی آزادی» را به همراه هم‌قطارانش علیه «دیکتاتور» ها به راه انداخته است تا به زعم خویش ریشه ظلم و ستم را بسوزاند! تلخ‌کی که چندین سال سینه‌زن زیر علم نظام جمهوری اسلامی بود و نیز با روزنامه‌های دولتی همچون شرق، بهار، هم‌میهن و اعتماد ملی برای تخطئه اعتراضات زنان و دختران، کمونیست‌ها و مخالفین همکاری کرد، ولی این روزها در قامت حامی سفت‌وسخت مردم ظاهر شده است! می‌خواهد از مرتبت دولت‌های بزرگ همچون امریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان خواسته‌های جامعه «مدنی» را متحقق سازد! می‌خواهد نظام دیگری همچون نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی را به جامعه تحمیل کند؛ تماس با بالاترین مقامات دولتی امریکا همچون مایک پمپئو، وزیر خارجه دولت ترامپ، رفت‌وآمد و ارتباط ممتد با رضا پهلوی، دیدار با مکرون رئیس‌جمهور فرانسه و همچنین دریافت جایزه‌های متفاوت از طرف نهادها و دولت‌های امپریالیستی به‌عنوان مدافع حقوق بشر و برقراری دموکراسی، چیزی جز بی‌ارتباطی طبقاتی وی با فرودستان و ستمدیدگان جامعه نیست.

برخلاف تبلیغات و لیچارگویی منسوبین سیاسی طبقه سرمایه‌داری، معلوم است که جنگ جامعه و مردم، جنگ قطع سلطه روابط و مناسبات امپریالیستی است؛ معلوم است که جامعه و مردم، بیش از این خواهان توهین، تحقیر و بالا کشیدن دسترنج کارگران و زحمت‌کشان و ثروت‌های مملکت از سوی عناصر وابسته به نظام‌های سرمایه‌داری نیستند؛ معلوم است که هیچ‌یک از آنان طرف مردم و اشاعه دهنده حقیقی فضای سیاسی درون جامعه به بیرون نیستند؛ نیز معلوم است که چگونه سرکوبگران نظام جمهوری اسلامی در همیاری و با همکاری و بخصوص با سلاح‌های مدرن امپریالیستی و ساچمه‌ای دولت مکرون به سروسورت و چشم زنان و دختران و جوانان نشانه می‌گیرند و به تلفات و کشته‌ها می‌افزایند. از این رو همه آن‌ها دودوزمباز و دغل‌کار هستند و همه آن‌ها سمت و سوبشان، حفظ و برقراری مناسبات سرمایه‌داری در درون جامعه است.

همان‌طور آمده است لگدپرانی وابستگان و به‌صفت شدگان طبقه سرمایه‌داری در چند وقت اخیر بسیار زیاد شده و هر انگلی سیاسی و تازه‌رسیده‌ای در پی بهرهوری از اعتراضات جوانان در درون است. حامد اسماعیلیون هم از دیگر به‌صفت شدگانی است که در متنی تنظیم‌شده در تظاهرات برلین به صحنه آمد و هر آنچه، خواست و سیاست قدرت‌مداران بین‌المللی بود، گفت، منتها حاضر به بیان علل و ریشه نداری کارگر و کارتن‌خوابی، چرایی و فواید جنگ‌های امپریالیستی در گوشه‌های متفاوت جهان و نیز از توضیح ماهیت آتش‌افروزان و سودبران جنگ اوکراین و نظایر آن‌ها نبود. چگونه می‌شود ادعای طرفداری مردم را داشت، ولی از انگیزه اصلی به خاک و خون کشاندن آنان نگفت؟ چگونه می‌شود مدعی تحقق دموکراسی و رهایی از زیر ظلم و ستم طبقه سرمایه‌داری بود و در همان حال از عاملین سیه‌روزی مردم نگفت؟ جنگ مردم، جنگ با سارقان دموکراسی و سرکوبگران در هر لباس و قامت است. درست است که جامعه اعتراضی فاقد سازمان کمونیستی و نیز سازمان‌دهی غیر هدفمند و شفاف به‌منظور تغییر بنیادی از وضعیت کنونی است؛ اما به معنای آن نیست که جامعه و مردم خواهان برقراری نظام معادل با نظام جمهوری اسلامی هستند. خواست جامعه، زنان و دختران، جوانان و دیگر قربانیان ستم امپریالیستی [من‌حیث‌المجموع] بسیار فراتر از خزعبلاتی است که زبان رضا پهلوی، مسیح علی‌نژاد، حامد اسماعیلیون و نیز رسانه‌ها و نمایندگان بی‌چون‌وچرا طبقه سرمایه‌داری در خارج از کشور بازپخش می‌شود. این را خیلی قبل‌ترها اعلام کرده‌اند و نیز خیلی قبل‌ترها جامعه و مردم با دار و دسته‌های نظام امپریالیستی تسویه‌حساب کرده‌اند. دفتر اعتراضی – مبارزاتی کارگران، زحمت‌کشان، زنان، دختران و جوانان را خوانده می‌شود ورق زد، منتها محتوای صفحات آن را، یعنی جنایات، دودوزمبازی و خیانت نوشته‌شده را نمی‌شود انکار کرد و یا تغییر داد؛ نمی‌شود ذهن تاریخی را به سُخره گرفت و با الفاظ سیاسی بی‌مایه، جامعه را به مسیر خودخواسته توضیح داد. بطوریقین حسابرسی جامعه و مردم با آنان تمام‌شده نیست و بی‌تردید امثالی همچون رضا پهلوی و مسیح علی‌نژاد در نظام مطابق با منفعت کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده، جابگو همکاری با طبقه سرمایه‌داری در دوره‌های متفاوت خواهند بود.

خلاصه و برخلاف المشنگه حامیان سرمایه در خارج از کشور، بحث اصلی جامعه نه رضا پهلوی و دار و دسته‌های اش، نه اصلاح‌طلبان و رانده‌شدگانش، و نه تحقق «رؤیاهای» مدنظر سیاست‌های امپریالیستی بعد از جمهوری اسلامی است؛ برای این‌که چهره همه آن‌ها زشت و همه آن‌ها در پیچ‌وخم اعتراضی امتحانشان را پس داده و رفوزه شده‌اند.

۱۹ نومبر ۲۰۲۲/۲۸ آبان - عقرب - ۱۴۰۱